

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی  
۱۲ مارچ ۲۰۲۲

## هفتاد و دومین جلسه دادگاه حمید نوری در ستکهلم!

هفتاد و دومین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، روز پنجشنبه نوزدهم اسفند ۱۴۰۰ در ستکهلم برگزار شد.

هفتاد و دومین جلسه دادگاه حمید نوری، جفری رابرتسون، قاضی بین‌المللی، شهادت داد. قاضی جفری رابرتسون گفت که چند هفته وقت صرف کرد تا از اعتبار بنیاد سفارش‌دهنده گزارش و ماهیت تحقیق خواسته‌شده اطمینان حاصل کند.

جفری رابرتسون از دادگاه انگلیس به‌صورت تماس تصویری در دادگاه حمید نوری حضور پیدا کرد. قاضی دادگاه انگلیس از توماس ساندر، رئیس دادگاه سویدن خواست اسامی متهم، دادستان، هیات منصفه و وکلای مشاور و وکلای مدافع را به آن‌ها معرفی کنند. قاضی دادگاه انگلیس پرسید آیا شاهد امروز یعنی جفری رابرتسون بعداً ممکن است به‌عنوان متهم تحت پیگرد قرار بگیرد و رییس دادگاه سویدن در پاسخ گفت خیر.

توماس ساندر گفت این جلسه بازپرسی با جفری رابرتسون برای بررسی کشتار زندانیان سیاسی در ایران در سال ۱۳۵۷ است. رییس دادگاه ابتدا از جفری رابرتسون خواست سوگند یاد کند.



هفتاد و دومین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام زندانیان در تابستان ۱۳۵۶ در زندان گوهردشت ساعت ۲ بعدازظهر روز پنجشنبه در ستکهلم برگزار شد.

جفری رابرتسون، قاضی بین المللی، شاهد این جلسه دادگاه بود که با کمی تاخیر و از طریق ویدیو از بریتانیا در جلسه شرکت کرد. گزارش قاضی رابرتسون یکی از مهمترین مدارک در میان ادله اثباتی کتبی دادستان‌ها در کیفرخواست پرونده حمید نوری است که در طول بیش از هفتاد جلسه دادگاه بارها به آن استناد شده است.

پس از آن دادستان به جفری رابرتسون خوش‌آمد گفت و بازپرسی را شروع کرد. دادستان گفت ابتدا با نظریه جفری رابرتسون شروع می‌کنند و از جفری رابرتسون خواست از پیشینه خودش بگوید و کارهایی که در رابطه با گزارش تحقیقی کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ انجام داده است. جفری رابرتسون بحث خود را چنین آغاز کرد:

«من لقب مشاور حقوقی ملکه را دارم، وکیل هستم و یکی از بزرگترین دفاتر وکلای انگلیس را دارم که ۱۵۰ وکیل آنجا کار می‌کنند... اولین وکیل سازمان ملل بودم، همچنین انتخاب شدم به‌عنوان عضو سازمان ملل در قسمت حقوقی به عنوان یک حقوق‌دان و آنجا قاضی بودم و از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ این سمت را داشتم. من غیر از این‌ها حدود ۲۰ کتاب نوشتم که مشهورترین آن کتاب «جرم علیه بشریت» است و بعداً بنیاد برومند از من خواستند گزارشی تحقیقی آماده کنم؛ آن‌ها یک سازمان مستقل هستند که ربطی به سازمان مجاهدین و غیره ندارند.»

قاضی جفری رابرتسون گفت که چند هفته وقت صرف کرد تا از اعتبار بنیاد سفارش‌دهنده گزارش و ماهیت تحقیق خواسته‌شده اطمینان حاصل کند.

قاضی جفری رابرتسون توضیح داد که در گزارش خود با حدود ۴۰ نفر از نجات‌یافتگان از اعدام‌های تابستان ۶۷ و تعدادی از خانواده‌های قربانیان مصاحبه داشته است. او به پرسش‌های دادستان‌ها و وکلای مدافع متهم درباره تعداد و نحوه انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها پاسخ داد.

دادستان: قبل از این‌که بنیاد برومند با شما تماس بگیرند درباره این اعدام‌ها چی می‌دانستید؟

جفری رابرتسون: «من آن‌ها را کنترل کردم و تحقیقاتی در مورد آن‌ها انجام دادم چون قبلش در مورد ایران و گروه‌های مخالف آن هیچ اطلاعاتی نداشتم. بعداً فهمیدم که این سازمان بسیار معتبر است و این مأموریتی که به من سپرده شده در چهارچوب همین بنیاد انجام بدهم و از کتابخانه خوبی که در واشنگتن داشتند استفاده کردم.»

دادستان: درست متوجه شدم در مورد جنگ ایران و عراق اطلاعاتی نداشتید؟

جفری رابرتسون: بله درست است.

دادستان: این کتابخانه متعلق به چه کسی است؟

جفری رابرتسون: «این کتابخانه متعلق به بنیاد برومند است و آن‌ها ترجمه‌هایی از روزنامه‌های چاپ شده ایراخ در سال ۱۹۸۸ و بعدش داشتند...»

دادستان: می‌دانید چه کسی این ترجمه‌ها را انجام داده؟

جفری رابرتسون: «نه دقیق نمی‌دانم، ولی من با رویا و لادن برومند که هر دو تحصیلات عالی داشتند در تماس بودم.»

دادستان: گفتید ۴۰ مصاحبه انجام دادید، اسامی این اشخاص را چگونه جمع‌آوری کردید؟ چگونه مصاحبه‌ها انجام شد؟

جفری رابرتسون: «آن‌ها از طرف بنیاد برومند به من داده شدند. (به دلیل مشکلی فنی بخشی از صحبت‌های او شنیده نشد) اغلب مصاحبه‌ها را خودم انجام دادم، بخشی را در واشنگتن، بعضی‌ها انگلیسی خوبی نداشتند و مترجم استفاده کردم. من یاد نمی‌آید مواردی باشد که از راه دور انجام داده باشم، همه را حضوری انجام دادم، ممکن است با برخی تلفنی صحبت کرده باشم و حواستان باشد در مورد سال ۲۰۰۹ صحبت می‌کنیم و تکنولوژی امروزی نبود.»

دادستان: شما در این گزارش از موج اول اعدام‌ها صحبت می‌کنید؟ موج اول مجاهدین و منظور تون از موج دوم اعدام چپ‌هاست، با دانشی که شما دارید ممکن است شک و شبهه‌ای در مورد این اعدام‌ها وجود داشته باشد؟ جفری رابرتسون: «نه هیچ شک و تردیدی برای من وجود ندارد. این شهودی که با آن‌ها صحبت کردم و باید اضافه کنم من خودم قاضی نیمه‌وقت بودم در انگلیس و می‌توانستم بفهمم که راست می‌گویند و می‌دانم دو موج اعدام وجود داشته و در موج اول تعداد بیشتری اعدام شدند. موج اول در مورد مجاهدین انجام شده و موج دوم در مورد کمونیست‌ها هم انجام شده، ولی زنانی که مرتد بودند آن‌ها را به شلاق محکوم کردند که ۵ دفعه در روز شلاق می‌زدند ولی مردهای مرتد به اعدام محکوم می‌شدند.»

دادستان: شما در گزارش‌تان به فتوای خمینی اشاره کردید، که مربوط به ۲۸ جولای ۱۹۸۸ است، شما صحت و سقم این فتوا را چگونه می‌بینید؟

جفری رابرتسون: «من هیچ شکی ندارم که این فتوا در خاطرات منتظری که مرد شماره دو نظام بود تایید شده. او مخالف این اعدام‌ها بود و در خاطراتش نوشته که خیلی خاطرات مهمی است و تصریح کرده که تمام اعضای مجاهدین بایستی محارب تلقی بشوند و از لحاظ فلسفی مخالف دین دولتی هستند و باید پس نابود شوند، من هیچ شکی ندارم و دلیلی وجود ندارد که بخواهیم فکر کنیم این اسناد جعلی است... حتی تایید شده توسط موسوی اردبیلی که قاضی‌القضات بوده و خودش به این فتوا اشاره می‌کند و می‌گوید که از آیت‌الله خمینی گرفته و به شیوه خاصی این فتوا صادر شده.»

دادستان: اشاره کردید به تماس موسوی اردبیلی با پسر خمینی، چی در موردش می‌خواستید بگویید؟ جفری رابرتسون: «من می‌خواستم اضافه کنم که هیچ شکی وجود ندارد که مطرح شد از سمت موسوی اردبیلی که سعی کرده این فتوا را مشخص کنند، توضیح بدهند و باز کنند که چه زندانیانی چگونه رفتار کنند...» دادستان: آیا به نظرت طبق این فتوا چپی‌ها هم باید اعدام می‌شدند؟

جفری رابرتسون: «این سؤال جالبی است، چون اشاراتی است که فتوای دومی هم صادر شده برای کشتن چپ‌ها، ولی منظور من فتوای اول است در مورد مجاهدین.»

دادستان: اگر سپتامبر هم فتوایی صادر شده چه چیزی موجب این اقدام شد تا چپ‌ها را هم اعدام کنند؟ جفری رابرتسون: «من فکر کنم حکومت خمینی تصمیم گرفت بعد از جنگ ایران و عراق اپوزیسیون داخلی را نابود کنند که بخش اعظم آن مجاهدین بودند، ولی چپ‌ها و کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها هم بودند و برای آن‌ها مفهوم محارب یعنی دشمن خدا گذاشتند و چون ایران رژیم تندروی داشت، کسی که دشمن خدا بود یعنی دشمن رژیم هم است.»

دادستان: آیا در تحقیقات خودتان متوجه نکته خاصی در مورد زندان اوین و گورهدشت شدید؟ جفری رابرتسون: «بله وقتی در مورد این دو زندان صحبت می‌شود ادله و مدارک اثباتی وجود دارد درباره این وحشی‌گری که رخ داد و دادگاهی که آنجا شکل گرفت و شبیه دادگاه‌هایی که ما می‌شناسیم نبود سؤال‌های ساده‌ای می‌پرسیدند و بعد آن‌ها را به صف می‌کردند و به سالن آمفی‌تئاتر می‌بردند و اعدام می‌کردند و جسد‌ها را با ماشین یخچال‌دار به بیرون می‌بردند...»

دادستان: شما به دادگاه اشاره کردید منظور موج اول اعدام‌هاست یا موج دوم؟

جفری رابرتسون: «من فکر کنم در هر دو دادگاه برگزار شده، آن‌ها از زندانی‌ها پرونده داشتند و شرایط را می‌دانستند و دادگاه کار خاصی نمی‌کرد تصمیم گرفته شده بود... ولی از زندانی‌های چپ چند سؤال بیشتری می‌پرسیدند.»

دادستان: این بازپرسی از شماست و ما می‌خواهیم شما از حافظه‌تان استفاده کنید.  
دادستان: می‌خواهم به وضعیت ایران در اواخر جولای بپردازیم، یعنی یک درگیری مسلحانه بود؟ آن را چه‌طور می‌بینید؟

جفری رابرتسون: «این جنگ مسلحانه تمام شده بود چون این آتش‌بس که انجام شده بود و توافق صورت گرفته بود ولی من نمی‌دانم خارج از تحقیقات من بوده و نمی‌دانم تا چه حد بین نیروهای عراقی و نیروهای رجوی بوده، ولی این حمله می‌تواند اینگونه باشد که نیروهای مجاهدین مستقل عمل کرده باشند از صدام، من نمی‌دانم ولی مجاهدین تصور می‌کردند وقتی وارد کشور می‌شوند از آن‌ها استقبال می‌شود...»

دادستان: چه چیزی خارج از تحقیقات شما بود؟ همکاری مجاهدین و صدام؟  
جفری رابرتسون: «البته درگیری مسلحانه بین ایران و عراق بوده و حالت بین‌المللی داشته و بین ایران و مجاهدین هم جنگ داخلی بوده، ولی من در موردش تحقیق نکردم و نمی‌دانم نیروهای رجوی مستقلاً عمل کردند یا با صدام هماهنگی داشتند من نمی‌دانم، تحقیق نکرده‌ام در این باره من مشخصاً در گزارشم نوشته‌ام چون این قضیه خارج از تحقیقات من بود بررسی‌اش نکرده‌ام، فقط می‌دانم نیروهای هوایی عراق شرکت داشته ولی نمی‌دانم مستقلاً عمل کردند یا نه...»

دادستان: درست متوجه شدم که برداشت شما این است که این جنگ مسلحانه بعد از آتش‌بس انجام شد؟  
جفری رابرتسون: «نه یعنی آتش‌بس قبول شد از طرف عموم و از طرف سازمان ملل هم همین‌طور و باعث شد این جنگ به روشی ادامه پیدا کند که دیگر روشن و آشکار نبود...»

دادستان: به نظرت این وضعیت تا چه وقت ادامه پیدا کرد؟  
جفری رابرتسون: «طبق برداشت من این‌که کنوانسیون ژنو شامل حتی جنگ‌های داخلی و تروریست‌ها هم می‌شود و از همه مردم عادی و اداره‌ها حمایت می‌کند، من می‌توانم این را مطرح کنم که مردم عادی هم شامل این وضعیت بشوند...»

دادستان: تو گفتی غیر بین‌المللی بین رژیم و مجاهدین بوده، چه زمانی به نظرت این جنگ تمام شد؟  
جفری رابرتسون: «اصلاً خاتمه پیدا نکرده، یک مقطع دو ساله که نیروهای مختلف که شاه را بیرون کردند بعدش مجاهدین و نیروهای دیگر به حکومت خمینی حمله کردند و جنگ داخلی شد برای مدت طولانی و نیروهای اپوزیسیون که جزو لیست تروریستی اروپا بودند و مطرح شده دانشمندان هسته‌ای توسط مجاهدین یا نیروهایی که مورد حمایت سازمان بودند ترور شدند... این جنگ مسلحانه قطع نشده.»

دادستان: شما گفتید از قبل برای این اعدام‌ها برنامه‌ریزی شده و ربطی به عملیات فروغ جاویدان ندارد، و در گزارش نوشتی عملیات فروغ جاویدان جرقه کشتار زندانیان شده. چه مدرک دارید که نشان بدهد از قبل برنامه‌ریزی شروع شده؟

جفری رابرتسون: «بله مدارک وجود داشت که حاکی بر این است که پرونده‌ها را آماده می‌کردند برای مجاهدین و بقیه که در زندان از کد رنگی استفاده می‌کردند که قرمز مثلاً برای اعدامی‌ها بود که در زمان مناسب این کار را انجام دهند و غیر از این اسناد دیگری توسط آمریکا منتشر شده که نشان می‌دهد زندان‌ها را آماده کرده‌اند، البته بعد

از گزارش من منتشر شد و من فرصت نکردم که بعداً آن‌ها را بررسی کنم. مشخصاً این از قبل آماده‌سازی شده و نمی‌توان یک دفعه‌ای تصمیم بگیرند و اعدام کنند...»

دادستان: چه رابطه‌ای بین نکسوس، زندانی‌ها و جنگ ایران و عراق وجود دارد؟

جفری رابرتسون: «من باید این را اضافه کنم دو سال پیش وزارت امور خارجه امریکا ادعا کرد وقتی این برنامه‌ریزی‌ها شده ۱۹ جولای بوده و هیات مرگ تشکیل شده، این چیزی نیست که من خودم تحقیق کرده باشم در موردش... من وقتی می‌گویم این جنگ داخلی وجود دارد برای مثال شورای ملی مقاومت اسرار هسته‌ای ایران را به سازمان ملل داد و پیشینه آن را نشان می‌دهد و یا جمهوری اسلامی تلاش کرد در دفتر شورای ملی مقاومت بمب بگذارد در پاریس که قرار بود توسط تروریست‌های دولتی انجام شد... ولی آن سال‌ها این علمیات که انجام شد یک مثال بود برای این‌که نشان می‌دهد رژیم تا چه حد تمایل به کشتن مخالفان دارد.»

دادستان: با این وجود همه این‌ها جرم‌های بین‌المللی هستند...

جفری رابرتسون: «بله، این جنایت علیه بشریت است و یکی از بدترین جرایم است که زندانیانی که آسیب‌پذیر هستند را بکشند، نمونه ژاپن هم و جنایت جنگی محسوب می‌شود و بربریت محض است که زندانیان بی دفاع را اعدام کنید.»

دادستان: شما گفتید جنایت جنگی که حتی این درگیری هم بین‌المللی نبوده و گفتید که قوانین بین‌المللی در مورد جنگ بین‌المللی مشخص است اما در مورد جنگ داخلی نه، شما چه‌طور این وضعیت را جنایت جنگی می‌نامید؟ با استناد به چه قانونی؟

رئیس دادگاه گفت بهتر است جنایت علیه بشریت با جفری رابرتسون مطرح شود نه جنایت جنگی.

جفری رابرتسون: «کشتن زندانیان سال‌های سال است که جنایت جنگی محسوب می‌شود، حدود ۱۰۰ سال است و این را اگر با سیستماتیک انجام شود جنایت علیه بشریت می‌شود طبق ماده ۸ و ۹ دادگاه بین‌المللی جرائم علیه بشریت و این جرایم می‌توانند هم‌پوشانی پاشنه باشد.»

دادستان: اقدامات علیه مجاهدین در موج اول جنایات جنگی بود یا نه؟

جفری رابرتسون: «من معتقدم که مطمئناً نسل‌کشی بوده و در موردش در کتابم نوشتم، البته نسل‌کشی جزو موارد اتهامی این دادگاه نیست، ولی افرادی که کشته شدند دین رسمی حکومت را قبول نکردند و باعث شد آیت‌الله آن‌ها را اعدام کنند چون محارب محسوب می‌شدند. این جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت است، یک درگیری داخلی وجود داشته اما ربطی به این اعمال و جنایات نداشته و ارتباطی با درگیری‌های بین‌المللی ندارد چون آتش‌بس شده بود... من تصور می‌کنم این اعدام‌ها غیرقابل بخشش است از هر زاویه‌ای به آن نگاه کنیم. درگیری‌های داخلی اواسط ۱۹۸۷ تمام شده بود و رژیم ادعا می‌کند اقدامات تروریستی‌ای جریان داشته اما تمام شده و هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای وجود نداشت که به زندانیان ربط بدهند و به بر این اساس همه زندانیان را اعدام کنند... تنها یک دلیل داشته که رژیم از سال ۱۹۸۱ قصد داشته همه مخالفینش را از بین ببرد...»

دادستان: در صفحه ۹۴ گزارش شما اشاره می‌کنید به ماده ۷۵ و ۳ کنواسیون ژنو، که هر دوی این مفاد قوانین جنگی (چه داخلی چه خارجی) را توصیف و تشریح کرده است... و گفتید افرادی که این جرم‌ها را مرتکب می‌شوند می‌توانند مجازات شود، چون مسئولیت شخصی دارند، منظور شما چیست؟

جفری رابرتسون: «من اشاره می‌کنم به مسئولیت کیفری وجود دارد برای افرادی که صادرکننده و اجراکننده دستور هستند، برای همین مسئولیت شخصی و فردی وجود دارد و هر کسی که در این مشارکت داشته‌اند، پس داریم در مورد طیف وسیعی از آدم‌ها صحبت می‌کنیم که نقش داشته‌اند...»

دادستان: شما می‌گویید ایران ۴ جرم بزرگ مرتکب شده بر طبق قوانین که جنایت علیه بشریت است، بیش‌تر توضیح می‌دهید، جنایت جنگی و مسئولیت فردی را چگونه بفهمیم؟

جفری رابرتسون: «شاید این‌گونه است که این عنوان‌های جرم‌ها به هم نخورد، ولی چیزی که من نوشتم که افراد هم می‌توانند محاکمه شوند به‌خاطر شکنجه و قتل و غیره که شامل زندانیان هم می‌شود. زندانیان مجاهدین اسیر جنگی نبودند، ولی رفتاری که با آن‌ها شد جنایت جنگی شود و حکومت همیشه در پاسخ به این اعدام‌ها در دفاع می‌گوید که جنگ بوده و سعی دارد آن را ربط بدهد به جنگی که در مرزها بوده و من نتوانستم هیچ سند و مدرکی در این زمینه پیدا کنم، به همین دلیل می‌گویم رژیم ادعا می‌کند زندانیان ارتباط داشتند با نیروهای مجاهدین در مرزها و به این دلیل آن‌ها را کشتند، ولی هیچ سندی وجود ندارد... چیزی که می‌خواهم واضح بگویم، به بخشی از گزارش من اشاره کردید که گفتم عملیات فروغ جاویدان جرقه قتل‌عام‌ها بود، ولی سه دلیل پشت آن بود، یکی آیت‌الله خمینی آتش‌بس برایش سخت تمام می‌شود و از آن خشمگین بود، یکی اینکه رژیم همیشه تمایل داشت مخالفان را از بین ببرد و عامل نهایی مرصاد بالای همه این‌ها قرار می‌گیرد.»

پس از این سخنان جفری رابرتسون دادگاه به مدت ۱۰ دقیقه تنفس اعلام کرد.

پس از اتمام زمان تنفس کنت لوئیس، وکیل مشاور گفت که فقط یک سؤال دارد، که در این دادگاه بسیار مهم است. او خطاب به رابرتسون گفت: ما نیاز داریم‌نظر شما در مورد اسناد را بدانیم.

جفری رابرتسون: «اگر این سؤال مرکزی در دادگاه است من دلم می‌خواهد مشاوره بگیرم، اما نظرم این است که قانون کوگن بوده که آرتیکل ۴۵ در کنوانسیون ژنو است که در گزارشم آوردم و گارانتی اساسی در مورد این بوده که ایران ۱۹۸۸ حق اشخاص در باره دادگاه را هم نقض کرده و نظرم این است بر اساس معاهده ژنو جنایت علیه بشریت است... اما در مورد کوگن صدق نمی‌کند و من نوشتم که آرتیکل ۴۴ ژنو که قوانین بین‌المللی در جنگ صدق می‌کند و انعکاسش به آن زمان هم بر می‌گردد.»

در ادامه این روز از دادگاه، وکیل مدافع حمید نوری از جفری رابرتسون سؤال پرسید. او گفت:

سؤالم در مورد پیش‌نویس و کارهای مقدماتی قبل از نوشتن این گزارش تحقیقی است، به غیر از این شخص (اسم ناواضح) کس دیگری هم بودند در این بنیاد که با او تماس داشتید؟

جفری رابرتسون: «من دو خواهر را به یاد دارم، رویا و لادن برومند ولی ممکن است افراد دیگر هم بوده باشد، ولی آن‌ها تاثیری روی گزارش نداشتند...»

وکیل حمید نوری: گفتید برای ترجمه کمک کردند، چگونه؟

جفری رابرتسون: «همان‌طور که گفتم من به یکی از این خواهرها اعتماد کردم.»

وکیل حمید نوری: شما گفتید چندتا مصاحبه انجام دادید، اسامی اشخاصی که مصاحبه کردید را به یاد دارید؟

جفری رابرتسون: «من چندتا از مصاحبه‌ها را انجام دادم و تعدادی از آن‌ها می‌خواستند اسم‌شان مخفی بماند که نمی‌توانم بگویم، بقیه را می‌توانم بگویم که البته در گزارش هم اسم همه وجود دارد.

وکیل حمید نوری: اگر اسمی آشنا هست به من بگویید.

جفری رابرتسون: «بله، یکی را پیدا کردم محمدرضا آشوغا(اسم مفهوم نبود) او را خوب به یاد دارم زیرا اسناد او تایید می‌شد که نامه‌ای بود نشان می‌داد از اتوبوس زندان فرار کرده بود و خیلی داستان غم‌انگیزی بود و صدای تیراندازی و کشته شدن دوستانش را شنیده بود... این یک مثال بود.»

وکیل حمید نوری: گفتید خودتان بیش‌تر مصاحبه‌ها را انجام دادید، چند مصاحبه بود؟

جفری رابرتسون: «۱۲ سال پیش بوده و من یادم نمی‌اد و نمی‌خواهم حدس بزنم، ولی تعداد زیادی از این ۴۰ نفر را خودم انجام دادم و جنیفر رابرتسون هم بود که من از آکسفورد به این پرونده وارد کردم ولی گزارش را من می‌نوشتم و این نتایجی بود که من بر اساس قانون به آن رسیدم.»

شهادت جفری رابرتسون با اعتراض حمید نوری همراه بود. متهم گفت: «ایشان(رابرتسون) باید از حافظه‌اش استفاده کند. اما همه را دارد از روی کتاب می‌گوید.»

توماس ساندز، قاضی دادگاه، در واکنش به این اعتراض متهم توضیح داد که باید به همین شکل باشد. او گفت: «من به او اجازه داده‌ام. تمام این گزارش نزد ما و جزو پرونده است. پس چه از رو بخواند و چه نخواند، ما همه این گزارش رو می‌دانیم و خوانده‌ایم. تو هم قبلاً آن را خوانده‌ای. نشان نده که پریشان‌حالی و خوشحال نیستی.»

توماس ساندز، قاضی به نوری گفت: «این شاهد با شاهدهای دیگر و اون شاهدهایی که باید از حافظه‌شان برای شهادت دادن استفاده کنند، تفاوتی فاحش دارد. از حالا به بعد از این گونه شاهدها زیاد است... باید عادت کنی.»

در حاشیه جلسه امروز، پسر و داماد حمید نوری اعتراض خود را نسبت به نحوه فیلم‌برداری گروه اعزامی صدای امریکا برای پوشش خبری این دادگاه ابراز داشتند. پسر متهم در پاسخ به فیلم‌بردار صدای امریکا که از او معذرت خواسته و توضیح داده بود که تنها وظیفه‌اش را انجام می‌دهد، به انگلیسی گفت: «از من فیلم بگیرید، اما از مادرم و خانم‌ها(اشاره به خواهرش) نه.»

لازم به توضیح است که گزارش جفری رابرتسون که به سفارش بنیاد عبدالرحمان برومند در ۱۴۵ صفحه تهیه و در ششم مرداد ۱۳۸۹ منتشر شد، حاوی مصاحبه‌ها و اطلاعات بسیاری درباره اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ است.

در گزارش رابرتسون به این نکته مهم پرداخته شده که در وقایعی مانند اعدام‌های سیاسی سال ۶۷ نه تنها عده‌ای بخاطر عقیده سیاسی و مذهبی خود کشته شده‌اند، بلکه خانواده‌های آن‌ها نیز در بی‌خبری از وضعیت این زندانیان، تحت شکنجه دولتی قرار گرفته و صدمات روحی و جسمی به آن‌ها وارد شده و به همین علت حق درخواست غرامت از دولت را دارند.

نکته مهم دیگر در مورد گزارش رابرتسون آن است که نشان می‌دهد جنایت علیه بشریت هرگز شامل امروز زمان نمی‌شود و امید و امکان دادخواهی برای خانواده‌های قربانیان و جامعه وجود دارد.

جلسه بعدی دادگاه حمید نوری روز سه‌شنبه هفته آینده بیست و چهارم اسفند ۱۴۰۰ - پانزدهم مارس ۲۰۲۲ با شهادت پیام اخوان، وکیل ایرانی کانادایی و فعال حقوق بشر برگزار خواهد شد.